تحلیل شناختی از بازنمایی حکمت سوره لقمان در مستندهای شهید مرتضی آوینی

قدسیه پائینی[۱]، سید ابوالقاسم حسینی ژرفا[۲]

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت: ۲۷ شهریور ۱۴۰۳ □ پذیرش: ۱ بهمن ۱۴۰۳ □ صفحهٔ ۵۱-۳۹
Doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

چکیده

بازآفرینی مضامین قرآنی در آثار هنری از دیرباز دغدغهٔ خاطر هنرمند مسلمان بوده است که در قالب‌های گوناگون هنری به منصهٔ ظهور رسیده است. ورود به عصر مدرنیته و تفاوت ماهوی هنرهای مدرن مانند سینما دستیابی به این دغدغه را با دشواری مواجه ساخت. نحوه بیان مضامین والای حکمی و به تصویر کشیدن آن در قاب محدود تصویر با چالش‌های بسیاری مواجه است. شهید سید مرتضی آوینی با برخورداری از نفس تربیت شده در ساختار اسلام ناب در مستندهای روایت فتح تلاش کرد تا تحقق مضامین غیبی قرآنی را در لایه اول در رزمندگان و لایه دوم به مخاطبان مستندها نشان بدهد. در این پژوهش سعی بر آن بوده است با تبیین مولفه‌های حکمت به عنوان مضمون محوری در سوره لقمان، بازنمایی آن در مجموعه اول روایت فتح ردیابی شود. روش تحلیل محتوای کیفی و تجزیه و تحلیل شناختی با کمک نرم‌افزار مکس کیودا، برای دستیابی به این منظور انتخاب شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها گویای این امر است که روایت فتح در بازنمایی مضمونی حکمت از شاخص‌های دقیقی برخوردار است. این بازنمای از طریق هماهنگی مؤلفه‌های شناختی و ادراکی انسان و ویژگی‌های تکنیکی به‌کاررفته در مجموعهٔ اول روایت فتح به تصویر کشیده شده است و نشانگر انطباق نفس فیلم‌ساز بر حقیقت پدیده بیرونی در جبهه و گفتمان غالب انقلاب اسلامی می‌باشد.

کلمات کلیدی: حکمت، روایت فتح، بازنمایی، تحلیل شناختی

۱. دانشجوی دکتری حکمت هنرهای دینی، گروه حکمت هنرهای دینی، دانشکده دین و هنر، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسندهٔ مسئول).
Email: gh.paeini@gmail.com

۲. دانشیار گروه حکمت و هنر، موسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی، قم، ایران.
Email: azharfa@gmail.com

استناد: پائینی وایقان، قدسیه و حسینی ژرفا، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳)، تحلیل شناختی از بازنمایی حکمت سوره لقمان در مستندهای شهید مرتضی آوینی، رهپویه حکمت هنر، ۳ (۲): ۵۱-۳۹.
doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071
https://rph.soore.ac.ir/article_720030.html

مقدمه

هنر، انتقال عواطف، احساسات و حقایق هستی به مخاطبان است. هنرمندان چیره‌دست با استفاده از این ابزار توانسته‌اند آثاری خلق کنند که اثر معنوی آن سالیان سال در ذهن و قلب جوامع بشری باقی بماند. این مسئله ناخداگاه ارتباطی معنوی بین هنرمند و بدنه جامعه ایجاد می‌کند چرا که هنرمندان، با خلق آثار بدیع، آنچه را که افراد عادی از درک آن عاجز بوده‌اند، برای همگان قابل فهم کرده‌اند. هنرهایی چون، فیلم‌نامه، داستان، رمان و نمایش‌نامه در زمره هنرهای ادبی و عکاسی، نقّاشی، مجسّمه‌سازی، آهنگ‌سازی، فیلم‌سازی، تئاتر، معماری، طراحی و... در رده هنرهای تصویری قرار می‌گیرند.

در این بین هنر تصویری و جلوه‌های بصری سهم بیشتری در اثرگذاری بر روح و جان مخاطبان دارد. زبان تصویر این امکان را فراهم می‌کند تا فرد بتواند تجربیات خود را در فرمی قابل مشاهده تصویر کند به‌گونه‌ای که حتی افراد بی‌سواد مثل شخصیتی تحصیل‌کرده می‌تواند آن را بفهمد. بنا بر این پناه بردن به تصویر وسیله‌ای برای عمق بخشیدن به مفاهیم مورد نظر هنرمندان و حتی صاحب‌قلمان و ادیبان است.

یکی دیگر از وجوه هنری قرآن، بیان تصویری و ملموس بودن مفاهیم ذهنی آن است. در این راستا سیدقطب نظریه «تصویرپردازی هنری آیات قرآن» را حدود یک قرن قبل مطرح کرد. وی معتقد است که قرآن کریم در بیان اغراض گوناگون به بهترین وجه ازقاعده «تصویر» بهره برده است به طوری که این قاعده از نگاه او به عنوان ابزار برتر بیان قرآن و یک قاعده عام و فراگیر در آن به شمار می‌آید. بنا بر این مضامین قرآن کریم دارای بیان بصری خاص و سراسر آیات این کتاب آسمانی به مثابه والاترین معجزه مکتوب پوشیده از تصویر است.

سوره مبارکه لقمان یکی از سوره‌های کلیدی در تصویرسازی از مفهومی مهم به نام حکمت است که گمشده مؤمن نامیده شده است. تصویرسازی از مفهومی انتزاعی به صورتی که در ذهن انسان قابلیت تصویرسازی داشته باشد در کلمات سوره شکل گرفته است. با توجه به اهمیت جاری کردن مفاهیم قرآنی از جمله حکمت، نیازمند گزاره‌های تصویری هستیم که تا این مرحله در قرآن پیش رفت است. تفصیل این معنا و انتشارش در لایه‌های متعدد اجتماعی از وظایف هنر است.

مجموعه روایت فتح ساخته شهید آوینی، منحصربه‌فردترین اثر تولید شده در سپهر انقلاب اسلامی است که تلاش داشت مفاهیم قرآنی را هم در موضوعات و ساختار آثار خود به مخاطب منتقل کند.

مسئله‌ای که این مقاله به دنبال پاسخ آن است امکان‌سنجی بیان هنری حکمت در آثار تصویری روایت فتح و یافتن نقاط همانندی یا افتراق با مفاهیم سوره است.

این مقاله قصد دارد با تحلیل شناختی محتوای مستندهای شهید آوینی، به شناسایی و تفسیر روش‌های به‌کاررفته برای بازنمایی مفاهیم حکمی سوره لقمان در قالب تصویری بپردازد. هدف اصلی این است که نشان داده شود چگونه مفاهیم قرآنی، از جمله ارزش‌هایی چون شکر، ایمان به غیب، صبر، و تبعیت از حکمت‌های دینی، در این مستندها به تصویر کشیده شده‌اند و از چه شیوه‌های شناختی، احساسی و تصویری برای انتقال این مفاهیم به مخاطب استفاده شده است. این پژوهش به‌دنبال آن است که هم تأثیرگذاری معنوی و هم تکنیک‌های شناختی و هنری آوینی در خلق این آثار را روشن سازد و الگوهای ارائه‌شده در این مستندات را در تطابق با ساختار حکمی سوره لقمان تحلیل کند.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی و تجزیه و تحلیل شناختی با نرم افزار مکس کیودا است. تحلیل محتوا به روش‌های مختلفی که گفته می‌شود که به جای استفاده از داده‌های کمی از داده‌های متنی و الگوهای ساختاری در متن استفاده می‌کند به سمت دریافت مضمون نهفته در متن حرکت می‌کند. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۶)

روش‌های پژوهش کیفی علاوه بر برخورداری از اعتبار علمی، واجد جنبه‌های متکی بر خلاقیت و اندیشه‌ورزی پژوهشگر می‌باشد. بنابراین ضمن مستدل و روشمند بودن بخش‌های مختلف نتایج پژوهش، نمی‌توان به صورت قطعی و یقینی الگوی به دست آمده را به شهید آوینی منتسب کرد. (حسینی، کرم الهی، آرانی و دیگران، ۱۴۰۲: ۶۰۵)

تحلیل محتوای کیفی، روشی است که به بررسی و تفسیر محتوای متنی، تصویری یا صوتی می‌پردازد. در این تحقیق، تحلیل محتوای کیفی برای بررسی و تفسیر مستندهای شهید آوینی و بازنمایی حکمت سوره لقمان به کار می‌رود. این روش شامل مراحل زیر است:

۱. انتخاب نمونه‌های مستند: انتخاب چند مستند از شهید آوینی که شامل بازنمایی حکمت سوره لقمان باشند.

۲. کدگذاری محتوا: تحلیل دقیق محتوای مستندها و شناسایی مفاهیم کلیدی و موضوعات مرتبط با حکمت سوره لقمان.

۳. تفسیر و تحلیل: تفسیر و تحلیل مفاهیم شناسایی شده و بررسی نحوه بازنمایی حکمت سوره لقمان در مستندها.

روش تجزیه و تحلیل شناختی یک رویکرد میان‌رشته‌ای است که از اصول و ابزارهای علوم شناختی برای مطالعه و تحلیل فرایندهای ذهنی و شناختی استفاده می‌کند. این روش به بررسی نحوه پردازش اطلاعات، ادراک، یادگیری، حافظه و تصمیم‌گیری می‌پردازد. در زمینه بررسی بازنمایی حکمت سوره لقمان در

Doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

مستندهای شهید مرتضی آوینی، این روش می‌تواند به فهم بهتر از نحوه درک و تفسیر این مفاهیم توسط مخاطبان کمک کند.

تجزیه و تحلیل شناختی شامل بررسی و تحلیل فرایندهای ذهنی و شناختی است که در تعامل با محتوای دینی و مذهبی رخ می‌دهند. این روش به مطالعه چگونگی درک و تفسیر مفاهیم دینی و تأثیرگذاری این مفاهیم بر رفتار و تصمیم‌گیری افراد می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان و منبع وحی که تنظیم‌کننده زندگی بشری می‌باشد، تاکنون موضوع بسیاری از پژوهش‌ها و تحقیقات بوده است. سوره مبارکه لقمان به دلیل ساختار خاص خود در ترسیم وعظ و تنظیم‌گری ارتباط با مخاطب مورد توجه پژوهشگران این عرصه بوده است.

طالب‌پور در پژوهش ژرف ساخت لایه آوایی-معنایی در سوره مبارکه لقمان (۱۴۰۱) ارتباط میان آواشناسی و معناشناسی در سوره را مورد کندوکاو قرار داده است.

زهرا صرفی در مقاله تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان با روش تحلیل محتوای کیفی (۱۳۹۸)، به مضمون محوری سوره و روش‌های دستیابی به آن پرداخته است.

خاک‌پور و عقدایی در پژوهشی با عنوان تحلیل متن شناختی سوره لقمان بر اساس نظریه کنش گفتار سرل (۱۳۹۷) به بررسی انواع کنش‌های ترغیبی، اظهاری، عاطفی و تعهدی پرداخته‌اند.

در یک نگاه کلی پژوهش‌های صورت گرفته درباره سوره لقمان تاکنون به ساختار خود سوره و تجزیه و تحلیل آن از منظرهای مختلف پرداخته است و تا پیش از این پژوهشی مبتنی بر بازنمایی مضامین سوره در حوزه‌های دیگر، انجام نشده است.

شهید سید مرتضی آوینی یکی از متفاوت‌ترین هنرمندان عصر انقلاب اسلامی است که توانسته است به عنوان اولین هنرمند، معانی باطنی مستتر در نگاه حکمی اسلامی را در آثار خود به نمایش بگذارد.

"فضاسازی در مجموعه «روایت فتح»؛ مطالعه‌ای انتقادی بر ویژگی‌های سینمای اشراقی از منظر سید مرتضی آوینی" از محمد جواد گهربخش و دیگران (۱۴۰۱) به بیان چگونگی استفاده شهید آوینی از تدوین، گفتار متن و مصاحبه برای فضاسازی و تحقق تصویری سینمای اشراقی استفاده می‌کند.

بهجت السادات حجازی و حکیمه آخوندزاده در مقاله‌ای به نام "نگرشی به روایت فتح و شهید آوینی از منظر روایت گری" (۱۴۰۰) به نقش آوا و آهنگ و موسیقی و شاخص‌سازی گفتار و نوشتار بر پایه استعاره‌های تاویلی تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه شاخص‌های روایت‌گری در آثار آوینی، درون‌مایه‌های آرمانی اسلام و انقلاب را به نمایش می‌گذارد.

کتاب *روایت جنگ در دل جنگ*؛ با نگاهی به مستندهای سید مرتضی آوینی (۱۳۹۹)، رساله دکتری انیس دوویکور است که ذیل عنوان سیاست‌گذاری فرهنگی به‌ویژه سیاست‌گذاری سینمایی از نگاه جمهوری اسلامی نوشته شده است که به صورت روشمند به مطالعه سیر آثار آوینی پرداخته است که نشان دهنده جایگاه آوینی در نگاه دیگران است.

انیس دو ویکتور در کتاب *روایت جنگ در دل جنگ*، به بررسی جایگاه شهید مرتضی آوینی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و مستندهای او را به عنوان ابزاری برای تقویت گفتمان انقلابی و ترویج ارزش‌های معنوی تحلیل کرده است. او معتقد است که مستندهای آوینی، به‌ویژه مجموعه روایت فتح، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که مفاهیم قرآنی و حکمی مانند ایمان، صبر، شکر و جهاد را در قالب تصاویر بصری و تکنیک‌های سینمایی به مخاطبان منتقل کنند. این مستندها نه‌تنها نقش مهمی در بازنمایی آرمان‌های انقلاب اسلامی دارند، بلکه در ترویج معنویت و تعمیق فرهنگ اسلامی نیز مؤثر هستند.

در مقاله "سینمای اشراقی، سینمای معناگرا از نظر آرای شهید مرتضی آوینی" از شکوفه آروین و ابوالقاسم دادور (۱۳۹۳) از یکسان بودن محتوای سینمای معناگرا و اشراقی در محتوا مانند نگرش مثبت و خیرخواهانه به جهان و تذکر و یاداوری خدا بحث می‌کند که این یکسانی در عین تفاوت اساسی این دو گونه سینمایی در رویکردشان به معنویت است.

معززی‌نیا در کتاب سینما و افق‌های آینده؛ جستجویی در آراء و افکار شهید سید مرتضی آوینی به بررسی اندیشه‌های آوینی در مقام یک نظریه‌پرداز پرداخته است. (معززی‌نیا، ۱۳۸۸). کتاب شهید آوینی، مروری بر آثار و اندیشه نوشته جعفریان به زندگی‌نامه و فعالیت‌های علمی و فرهنگی در اندیشه و آثار شهید آوینی می‌پردازد. (جعفریان، ۱۳۸۹)

کتاب *سینمای اشراقی*: سینمای دینی و هنر اشراقی شهید آوینی با نظری به عکاسی اشراقی (۱۳۸۴) توسط محمد مددپور منتشر شده است. این روند در دهه اخیر تغییر پیدا کرد و نگاه پژوهشی به آثار متنی و تصویری آوینی گسترش یافت.

درباره شهید آوینی و آثار تصویری او در دهه‌های گذشته مقالات متعددی نوشته شده است که در ابتدا، کمتر رویکرد پژوهشی داشتند و بیشتر به توصیف آثار و بزرگداشت او می‌پرداختند. ازهمین‌رو، گذشته از آثار پژوهشی که قلم آوینی نوشته شده است و در قالب سه جلد کتاب‌های *آیینه جادو* (۱۳۷۳) منتشر شده است.

پژوهش‌هایی که تاکنون منتشر شده‌اند به دنبال نسبت‌یابی میان مضامین مفهومی در آثار متنی و تصویری شهید آوینی بوده‌اند و تاکنون پژوهشی مبنی بر استخراج ارتباط مستقیم میان

این مفاهیم و مضامین با بستر اصلی تولید کننده مضامین اسلامی یعنی قرآن به صورت مشخص انجام نشده است.

مبانی نظری و ادبیات پیشین

معرفی علوم شناختی و ارتباط آن با مطالعات دینی

علوم شناختی رشته‌ای است که در رویکردی انتقادی به مکتب رفتارگرای قرون نوزده و بیست شکل گرفت و در همراهی با همان رویکرد انتقادی در روان‌شناسی، هوش مصنوعی و زبان‌شناسی حوزه جدید علوم شناختی را شکل داد. به رسمیت شناخته شدن علوم شناختی در یک توافق همه گیر در سال ۱۹۵۶ در سمپوزیومی در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست، رخ داده است. در این سمپوزیوم جرج میلر، ظرفیت حافظه کوتاه مدت انسان را به شکل تقریبی به هفت ورودی محدود کرد. در یک رویکرد مشابه روان‌شناسی نیز گام‌های ابتدایی برای شکل‌گیری علوم شناختی را ایجاد کرد. در رشته زبان‌شناسی نوام چامسکی با تألیف کتاب *سه مدل برای زبان* و آلن نیوویل و هربرت اسپنسر با نگارش مقالهٔ «ماشین نظریه منطقی در علوم کامپیوتر» به عنوان اولین بنیانگزاران این رشته معرفی شدند. (درزی، ۱۳۹۷: ۴۶)

در دهه‌های بعد مباحث تحقیقی در هریک از این شاخه‌ها پیش رفت تا در سال ۱۹۷۹ گام‌های ابتدایی برای تأسیس این رشته به صورت همگرا به یکدیگر ملحق شدند و با تأسیس انجمن علوم شناختی به طور رسمی آغاز به کار کرد.

علوم شناختی علمی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه ذهن و فرایندهای ذهنی و شناختی می‌پردازد و شامل تحقیق در زمینه‌های روان‌شناسی شناختی، علوم‌اعصاب، فلسفه‌ذهن، زبان‌شناسی، هوش مصنوعی و انسان‌شناسی است. هدف اصلی علوم شناختی، فهم چگونگی عملکرد ذهن، پردازش اطلاعات، یادگیری، ادراک، حافظه، زبان و تصمیم‌گیری است. (زاهدی، حق شناس، ۱۳۹۲: ۱۴۸)

سرشت فرارشته‌ای علوم شناختی سبب قرار گرفتن طیفی از علوم مختلف با مبانی و روش‌های مختلف در کنار هم می‌شود. در مطالعات قرآنی، متن و جنبه‌های مختلف تفسیر آن و مکانیسم ادراک بشری از متن، اهمیت بسیاری دارد

علوم شناختی می‌تواند به فهم چگونگی پردازش و تفسیر آیات قرآنی توسط ذهن انسان کمک کند. مطالعه نحوه درک معنایی، ساختارهای زبان‌شناختی و تفسیرهای مختلف می‌تواند از این طریق بهبود یابد. (درزی، ۱۳۹۷: ۴۶)

طبق نظر زکی، هنر از طریق پردازش‌های شناختی و عاطفی مغز می‌تواند بینش‌های جدیدی ایجاد کند. در مستندهای شهید آوینی، تلفیق هنرمندانهٔ تصاویر با مفاهیم قرآنی، موجب تحریک این پردازش‌های شناختی شده و مخاطب را به درکی عمیق از مضامین حکمت‌آمیز سوره لقمان هدایت می‌کند.

معرفی سوره لقمان و مفاهیم حکمی آن

حکمت در سوره لقمان

سوره لقمان سی و یکمین سوره از سوره‌های مکی قرآن است که در جزء ۲۱ جای دارد. در ترتیب نزول، پنجاه و هفتمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. این سوره به مناسبت ذکر نام لقمان و نصایح او به فرزندش، به این نام برگزیده شده است. سوره لقمان ذیل شرح سرگذشت لقمان و سخنان حکیمانه و اخلاقی او، به مباحثی از جمله توحید، وصف حال نیکوکاران، خصوصیات منکران و مستکبران، دعوت به تقوا و توصیف اوضاع قیامت می‌پردازد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶ ص ۳۱۱)

تعریف حکمت

واژه حکم، بیان‌کننده آن چیزی است که موجب فصل می‌شود و ایجاد قطعیت می‌کند. یا قضایی را موجب می‌شود و جریانی را رقم می‌زند. حکم در دست حکیم است و بر اساس اراده او جاری می‌شود و بر اساس آن منفعت و حکمت تولید می‌شود. پس از اجرای حکم از طرف حکیم علی الاطلاق، خداوند به انسان فهمی می‌دهد که از حکم‌ها باخبر شود و خود را در معرض آن قرار دهد و در صورت اطاعت به منفعت عبودیت نایل شود. می‌توان علم به اجرای حکم را حکمت نامید. در این صورت، حکمت به نوع خاصی از علم به حُکم گفته می‌شود که فرد به کاربردها و فضل‌هایی که تحت سیطره آن حکم ایجاد می‌شود؛ واقف شود. نکته مهم این است چنین علمی هم قابلیت آموزش دارد و هم قابلیت به ارث گذاشتن و انتقال دادن. (اخوت، ۱۳۹۴: ص ۴۱)

سوره مبارکه لقمان با نزول آیات کتاب حکیم آغاز می‌شود و افراد محسن را به عنوان کسی که برخوردار از حکمت هستند؛ معرفی می‌کند.

محسنین تابع حکمت قرآنی

در آیه سوم سوره لقمان، قرآن را کتاب هدایت و حکمت برای محسنین معرفی می‌کند. محسن، اسم فاعل از مصدر احسان است و محسن کسی است که عمل نیکو انجام می‌دهد. محسن در مقابل مسئ قرار می‌گیرد که از نظر معنایی با ظالم یکسان است. قرآن کریم، محسن را در مقابل ظالم به کار برده است. در آیه دوم صریحاً محسنین را کسانی معرفی می‌کند که با حسن اختیار خودشان به دنبال عمل نیک هستند و اگر به حکمت قرآن گوش کنند، از هدایت و رحمت قرآن کریم برخوردار می‌شوند. زیرا هدایت در قرآن امری اجباری نیست و بهره‌مندی از آن به اختیار انسان منوط شده است. (صرفی، ۱۳۹۸: ۹۱)

طبق آیات ابتدایی سوره لقمان، محسنین کسانی هستند که اقامه

Doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

نماز، ایتای زکات و یقین جاری به آخرت دارند و همچنین محسن بودن بستری را می‌سازد که منجر به نزول رحمت و هدایت می‌شود که این بسترسازی مستلزم مواجهه صحیح انسان با آیات کتاب حکیم است. درواقع انسانی که با وجه حکیم بودن کتاب مرتبط می‌شود هم دارای حکمت و هم دارای حکم می‌شود. از آن‌جایی که آیات، تفصیل کتاب است؛ پس در جزئیات زندگی‌شان به‌طور تفصیلی دارای حکم و حکمت هستند. درواقع فردی که محسن است در جزء جزء زندگی‌اش، نظر خداوند را در آن مورد می‌داند و چون از کتاب نشئت گرفته است، اِحکام حکمش را هم می‌داند.

در ادامه آیات، خداوند از لقمان به عنوان یک فرد محسن نام می‌برد و موعظه‌های او را دستور عملی برای رسیدن به حکمت و محسن شدن است؛ یاد می‌کند. این موعظه‌ها همگی متصل به یک قانون یا حکم هستند. گویی فرد محسن این توان را دارد که از بالا حکم کلی را بگیرد و در بستر زندگی جزئی و کاربردی کند یا به‌عبارتی توان تفصیل علم دارد. قطعاً این افراد خود به علم خود عمل می‌کنند چون اگر این‌گونه نبود؛ مصداق افرادی در سوره می‌شدند که در برابر تلاوت آیات رویگردانی مستکبرانه دارند. فرد محسن در قول و فعل و ادراکش دارای حسن است و درواقع اقامه نماز و ایتای زکات و یقین جاری به آخرت و... را با بروز حسن انجام می‌دهد.

یکی از حکم‌های مورد تأکید خداوند در این آیات شکر است. به نظر می‌رسد نقطه شروع انسان در این چرخه شکر است که در آیات دیگری با بیان این‌که به لقمان حکمت داده شد و امر به شکر شد؛ تصدیق شده است.

از آثار حکمت داشتن موعظه کردن است موعظه، حکمتی است که به زبان ارشاد و امرونهی درآمده است. حکمت در انسان تولید وعظ می‌کند درواقع بروز حکمت به‌صورت تعامل با دیگران در لباس موعظه دیده می‌شود.

موعظه ارشادی به‌سوی حق با تذکرات مفید است یعنی یک قدم قبل از عمل انجام دادن فرد مخاطب، با فعال کردن تعقل فرد یک‌جور امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر می‌کند و یکی از فواید آن این است که فرد قبل از اینکه گرفتار منکری شود تا نهی از منکری به او شود، با موعظه از آن عمل بازداشته می‌شود. موعظه باعث می‌شود که اولویت‌ها در چشم مخاطب پررنگ‌تر شود و همچنین خود مخاطب باید اهل خشیت باشد تا موعظه در او اثر کند.

موضوعات موعظه در سوره لقمان

زندگی در دنیا با رویکرد آخرت‌گرایانه. یعنی برعکس گروهی که به لهو الحدیث مشغول هستند و تمتعشان از دنیا لذت لحظه‌ای است، جناب لقمان فرزندش را به اوامر الهی ارجاع می‌دهد که در بطن آن ارجاع دادن امورات دنیا به قوانین کتاب حکیم و محکمات است که این همان زندگی دنیوی با رویکرد آخرتی است. موعظات جناب لقمان ابعاد مختلفی دارد، هم عبادی است و به رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با نفسش می‌پردازد و هم مسائل اجتماعی و نحوه برخورد انسان با مردم و همچنین مسائل آخرتی را تبیین کرده است. همان‌گونه که در «تصویر ۱» قابل مشاهده است، گزاره مرکزی سوره لقمان، حکمت است و سایر موضوعات به صورت پیرامونی تحقق یافته‌اند.

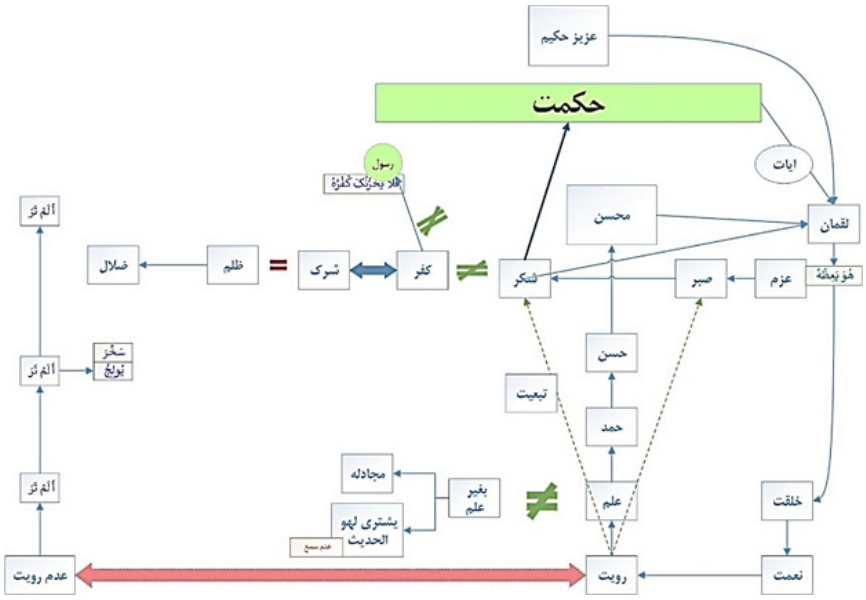

تصویر ۱. نظام موضوعات سوره مبارکه لقمان (نگارندگان).

درواقع جناب لقمان به عنوان یک فرد محسن که به‌واسطه شکر الهی به او نعمت حکمت داده شده که خروجی او به جامعه به‌صورت موعظه است.

مستندهای شهید مرتضی آوینی و سبک هنری او

سید مرتضی آوینی به عنوان نویسنده و کارگردان مستند روایت فتح و مستندهای دیگر شناخته می‌شد. اما پس از شهادت و بیان لقب سید شهیدان اهل قلم از سوی رهبر معظم انقلاب، توجه به وجه علمی شهید آوینی بیشتر شد و مقالات تخصصی او در نشریه سوره، مورد توجه پژوهشگران و محققان قرار گرفت. (یامین‌پور، ۱۳۹۸: ۲۲۴)

شهید مرتضی آوینی، یکی از مستندسازان و نویسندگان ایرانی معاصر است که آثارش به دلیل سبک خاص در بازنمایی مفاهیم دینی و اجتماعی شناخته شده است. آوینی به‌ویژه با مستندهایش که به تحلیل و بازنمایی جوانب مختلف انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی می‌پردازد، تأثیرگذار بوده است.

سبک هنری و ویژگی‌های آوینی

شهید مرتضی آوینی با سبک هنری خاص خود در مستندسازی شناخته می‌شود. از خصوصیات بارز نثر شهید آوینی در روایت گری، نقش‌آفرینی خیال‌انگیز با توجه به نوا و آهنگ در موسیقی کلام و شاخص نمودن گفتار و نوشتار با استفاده از استعاره‌های تأویلی است. به لحاظ معانی نیز در این مستندها بر درون‌مایه‌های آرمانی دین اسلام، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تأکید شده است.

شهید آوینی در مجموعه روایت فتح از آنچه مانع بازتاب طبیعی رویدادهای صحنه‌های جنگ بود، اجتناب کرد. روایت فتح تنها مجموعه‌ای است که در موضوع شباهت به انواع مستندهای جنگی دارد اما در معنا، ساختار گونه‌ای جدید از سینمای مستند است که اشاره به انسان مطلوب اولیا و انبیا را مبنا قرار داده است. (حجازی و آخوندزاده، ۱۴۰۰: ۲۲)

از ویژگی‌های خاص روایت فتح توجه به صورت کلی جنگ است، برخلاف سینمای مستند به‌طورعام و مستندهای جنگی به‌طورخاص که به اطلاع‌رسانی جزئی و دقیق گرایش دارند و برای تضعیف روحیه دشمن و تشجیع رزمندگان خودی از پیروزی‌ها صحبت می‌کنند و هدفی ماورا آن متصور نیستند. درحالی‌که در روایت فتح، مرتضی آوینی از اطلاعات جزئی برای ساخت صورت زیرین استفاده می‌کند و بر اساس تلقی ادواری از تاریخ که به امر کلی تاریخ انبیا و اولیا تأویل می‌شود، صورت برین تمثیل را در روایت فتح نهضت انبیا و واقعه کربلا قرار می‌دهد و آن را به وسیله گفتار تثبیت می‌کند. (حکمت یار، ۱۳۹۶: ۱۵۰)

شهید آوینی در مستندسازی خود شیوه اشراقی را دنبال می‌کند. شیوه‌ای که در لغت ابداع خود اوست و پس از او نیز مورد پیگیری کسی قرار نگرفته است. از منظر آوینی فیلم‌سازی در شیوه اشراقی، پیش از آنکه به تکنیک و توان سینمایی فیلم‌ساز وابسته باشد به نسبت او با حقیقت و ادراک او بستگی دارد. عوامل تولید روایت فتح و در ابتدای آن‌ها مرتضی آوینی منظری عرفانی و شهودی به دفاع مقدس داشتند و همین نگرش اشراقی، زاویه دید متفاوتی در فیلم‌سازی را برای آنان ایجاد کرده بود. ازهمین‌رو، روایت فتح، روایتگر رزمندگانی است که راه صدساله عرفان را در شبی طی کرده‌اند و این به خاطر عارف بودن فیلم‌ساز است که توان ادراک عرفان در لایه‌های پنهان جنگ داشته و توانسته به نمایش دربیاورد. (مددپور، ۱۳۸۴: ۱۳۴)

بر اساس همین تفکر است که آوینی تفکیکی میان فرم و محتوا قائل نیست و اساساً آن را امکان‌پذیر نمی‌شمارد. (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۶)

مهم‌ترین ویژگی مجموعه روایت فتح نمایش حقیقت باطنی جبهه است که آوینی آن را به عنوان اصلی‌ترین رسالت خود انتخاب کرده بود. و اصلی‌ترین مانع پیش روی آن را نیز تصنع و نفس اماره فیلم‌سازان می‌دانست که راه‌حل آن را بازگشت به فطرت معرفی می‌کرد. (گهربخش، اسفندیاری، رستمی، ۱۴۰۱: ۱۱۷)

"واقعیتی بیرون از ما موجود بود که می‌خواستیم بیانش کنیم یا به تعبیر بهتر، می‌خواستیم زمینه‌ای فراهم کنیم که آن واقعیت ظهور و بروز یابد، چراکه خود درنهایت زیبایی و جلالت بود و نیازی به تزئین و آراستن و پیراستن نداشت. بزرگ‌ترین مانع در راه ظهور این واقعیت خود ما بودیم. خصلت‌های فردی‌مان مانع از تجلی حقیقت می‌گشت؛ درست همچون آیینه‌ای که غبارهایش مانع از ظهور ماهیت او و انعکاس واقعیت در اوست." (آوینی، ۱۳۷۸: ۲۲۵)

ویژگی‌های اصلی سبک هنری آوینی

ــ ترکیب ادبیات و سینما

آوینی به‌خوبی از تکنیک‌های ادبی و سینمایی استفاده می‌کند تا احساسات و مفاهیم عمیق را منتقل کند. نثر شاعرانه و فلسفی او در نریشن‌های مستندها، عمق و تأثیرگذاری خاصی به آثارش می‌بخشد

ــ رویکرد فلسفی و عرفانی

در مستندهای فلسفی و دینی آوینی، رویکرد عرفانی و فلسفی مشهود است. او به تحلیل مفاهیم دینی و عرفانی با نگاهی عمیق و فلسفی می‌پردازد که باعث می‌شود مستندهای او به سطوح عمیق‌تری از تفکر و تأمل برسند.

ــ استفاده از تکنیک‌های بصری و سینمایی

آوینی به‌کارگیری تکنیک‌های خاص سینمایی مانند استفاده از

Doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

نورپردازی، رنگ‌ها، و کادربندی خاص برای انتقال احساسات و مفاهیم به کار می‌برد. این تکنیک‌ها به ایجاد تأثیر بصری و معنوی قوی کمک می‌کنند.

ــ تکیه بر واقع‌گرایی و صداقت

مستندهای آوینی به خاطر بازنمایی صادقانه و واقع‌گرایانه از مسائل اجتماعی و دینی شناخته می‌شوند. او تلاش می‌کند تا واقعیت‌ها را به تصویر بکشد و از هرگونه تحریف یا تصنع اجتناب کند.

ــ توجه به ابعاد معنوی و اجتماعی

آوینی توجه زیادی به ابعاد معنوی و اجتماعی مسائل دارد و مستندهای او به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف زندگی انسانی و اجتماعی می‌پردازند.

ــ مجموعه روایت فتح به دلیل برخورداری از ویژگی‌های زیر نمونه مناسبی برای بررسی نسبت یک اثر هنری با مضامین قرآنی است.

ــ نگاه روایت فتح به مستندسازی رفتار و اعمال رزمندگان در میدان‌های جنگ، بیان دین در مقام تحقق است.

ــ روایت فتح تحلیل مبتنی بر تجربه مستقیم فیلم‌ساز است که روشمندی آوینی را در مقام فیلم‌ساز نشان می‌دهد.

ــ مجموعه روایت فتح، یک مجموعه تحلیلی- توصیفی از دفاع مقدس است که مبتنی بر باورمندی فیلم‌ساز به معارف دینی تولید شده است.

ــ مجموعه روایت فتح در همراهی و هم‌نشینی با جامعه مخاطب اعم از جامعه دینی و غیردینی ارتباط گرفته است و امکان هدایت و اصلاح را ایجاد کرده است.

ــ مجموعه روایت فتح از روش‌های تقلیل‌گرایانه حسی و مادی فاصله گرفته و از منابع عقلی، نقلی و شهودی برای تحلیل خود استفاده کرده است. (حسینی، کرم الهی، آرانی و دیگران: ۱۴۰۲: ۶۰۰)

تحلیل شناختی مستندهای روایت فتح

تحلیل مستند روایت فتح از منظر علوم شناختی می‌تواند به بررسی نحوه تأثیر این مستند بر ذهن و احساسات مخاطبان و تحلیل شیوه‌های انتقال پیام‌های احساسی و اطلاعاتی بپردازد. روایت فتح، به عنوان یک مستند جنگی با تمرکز بر دفاع مقدس ایران، به‌شدت از عناصر احساسی و روایات حماسی استفاده می‌کند که از منظر شناختی دارای اهمیت ویژه‌ای است.

پردازش احساسی و تحریک عاطفی

مستند روایت فتح به‌طور هدفمند بر احساسات مخاطب تمرکز دارد. استفاده از تصاویر جان‌باختگان، صحنه‌های نبرد، و مصاحبه با رزمندگان و خانواده‌های شهدا، به‌گونه‌ای طراحی شده که مخاطب را درگیر تجربه‌های عاطفی قوی کند. از منظر علوم شناختی، احساسات نقشی کلیدی در یادآوری و حافظه ایفا می‌کنند. تحریک عاطفی قوی می‌تواند حافظه بلندمدت مخاطب را فعال کند و به‌این‌ترتیب، پیام مستند به شکل ماندگارتری در ذهن مخاطب باقی بماند.

به گفته لدُو (۲۰۰۰)، احساسات نقشی اساسی در ذخیره‌سازی بلندمدت حافظه دارند. در مستندهای روایت فتح، نمایش تصاویر احساسی و حماسی موجب تحریک مدارهای احساسی مغز شده و ادراک عمیقی از مضامین قرآنی ایجاد می‌کند.

نقش تصاویر در ادراک بصری

ادراک بصری یکی از مهم‌ترین جنبه‌های شناختی است که در مستندهای تصویری و به‌ویژه در مستندهای جنگی نقش کلیدی ایفا می‌کند. مغز انسان، تصاویر را به‌سرعت پردازش می‌کند و این تصاویر می‌توانند به عنوان نشانه‌های بصری، درک و حافظه را تقویت کنند. در مستند روایت فتح، تصاویر جنگ، رزمندگان، صحنه‌های نبرد، و لحظات احساسی به‌گونه‌ای طراحی و ارائه می‌شوند که تأثیر عمیقی بر مخاطب بگذارند.

بر اساس پژوهش‌های ریزولاتی و سینگالیا (۲۰۰۸)، نورون‌های آینه‌ای در مغز انسان به او کمک می‌کنند تا همدلی عمیق‌تری با قهرمانان فیلم‌ها و آثار هنری برقرار کند. این تکنیک در مستندهای آوینی برای ایجاد همذات‌پنداری با رزمندگان و تقویت پیوند عاطفی مخاطب با مفاهیم حکمی سوره لقمان مؤثر است.

در بسیاری از بخش‌های روایت فتح، از تصاویر قهرمانانه رزمندگان استفاده می‌شود. این تصاویر اغلب شامل نماهای نزدیک از چهره‌های رزمندگان است که با نگاه‌های مصمم و آرام به دوربین خیره شده‌اند. این تصاویر به مخاطب این پیام را می‌رسانند که این افراد دارای اراده‌ای قوی و ارزش‌های حماسی هستند. از دیدگاه علوم شناختی، این نوع تصاویر باعث تحریک آینه‌های نورونی در مغز می‌شوند که به مخاطب امکان می‌دهند همدلی بیشتری با قهرمانان فیلم احساس کنند.

در برخی صحنه‌ها، مستند از تصاویر آهسته (اسلوموشن) استفاده می‌کند تا لحظات احساسی یا حماسی را برجسته کند. این تکنیک به مغز اجازه می‌دهد که بیشتر روی جزییات تمرکز کند و احساسات عمیق‌تری را تجربه کند. از منظر شناختی، تصاویر آهسته به مغز این امکان را می‌دهند که زمان بیشتری برای پردازش داشته باشد و به‌این‌ترتیب، تأثیر احساسی صحنه‌ها قوی‌تر می‌شود.

اسمیت و تیلور (۲۰۱۶) در بررسی روان‌شناسی هنر و زیبایی‌شناسی نشان می‌دهند که تصاویر و موسیقی می‌توانند

تأثیرات عمیقی بر ادراک و احساسات مخاطب داشته باشند. مستندهای آوینی با استفاده از تصاویر زیبا و آهنگ‌های معنوی به مخاطب کمک می‌کنند تا پیام‌های قرآنی را به صورت عمیق‌تری درک کند.

تصاویر در مستند روایت فتح نقش کلیدی در ادراک بصری و پردازش شناختی مخاطب دارند. از تصاویر خشونت و نبردهای واقعی گرفته تا صحنه‌های حماسی و تصاویر آرامش‌بخش، همگی به‌طور دقیق برای جلب‌توجه، تحریک احساسات، و بهبود یادآوری طراحی شده‌اند. از دیدگاه شناختی، این تصاویر به‌طور مستقیم بر بخش‌های مختلف مغز ازجمله سیستم لیمبیک (مرتبط با احساسات) و کورتکس بصری تأثیر می‌گذارند و باعث می‌شوند که مخاطب تجربه‌ای عمیق و ماندگار از محتوای مستند داشته باشد.

اثر روایت بر شناخت و باورها

در روایت فتح، یکی از محوری‌ترین اهداف روایت‌های مستند، تثبیت هویت جمعی است. این مستند با ارائه داستان‌های قهرمانانه و نمایش فداکاری‌های رزمندگان، سعی در ایجاد و تقویت حس مجاهدت و همبستگی اجتماعی ذیل تعریف امت واحده دارد. این داستان‌ها به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که مخاطب احساس کند بخشی از یک کل بزرگ‌تر است و نقش مهمی در این تجربه مشترک دارد.

به گفته برونر (۱۹۹۰)، روایت‌ها ابزارهایی قدرتمند برای ساخت معنا در ذهن مخاطب هستند و می‌توانند بینشی عمیق در مورد ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و دینی ایجاد کنند. در مستندهای آوینی، به‌ویژه روایت فتح، ساختار روایی به نحوی طراحی شده که مفاهیم معنوی مانند صبر، شکر، و ایمان به غیب را به مخاطب منتقل کرده و آنها را به‌گونه‌ای معنادار در ذهن ثبت کند.

یکی از نقاط قوت روایت فتح، استفاده از روایت‌های عرفانی است که به‌طور مستقیم بر ارزش‌های دینی و اخلاقی تأکید دارند. این مستند اغلب با ارجاع به آیات قرآن یا سخنان بزرگان دینی، رزمندگان را به عنوان افرادی که در جستجوی شهادت و قربانی کردن خود برای آرمان‌های الهی هستند، به تصویر می‌کشد. از این طریق، مخاطب نه‌تنها جنگ را به عنوان یک پدیده نظامی می‌بیند، بلکه آن را به عنوان یک مسیر معنوی برای کسب رضای الهی درک می‌کند.

از منظر علوم شناختی، این تکرار روایت‌ها باعث تحکیم شناختی می‌شود؛ یعنی مغز با قرار گرفتن مکرر در معرض یک مفهوم، آن را بهتر درک کرده و به یاد می‌آورد. این تکنیک همچنین می‌تواند به تثبیت باورها و تقویت ارزش‌های مورد نظر کمک کند.

از منظر شناختی، این نوع روایت چندگانه به مغز این فرصت را می‌دهد که از طریق ساختارهای چندگانهٔ روایتی به درک جامع‌تری از موضوع برسد. این تکنیک همچنین به مخاطب اجازه می‌دهد که پرسپکتیوهای مختلف را ببیند و به‌این‌ترتیب، ارتباطات شناختی پیچیده‌تری با داستان و پیام‌ها برقرار کند. (افراشی، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۳۵)

استفاده از موسیقی و صدا

موسیقی و صدا در روایت فتح نقش مهمی در تحریک احساسات دارند. از موسیقی‌های حماسی و غم‌انگیز به عنوان ابزاری برای تقویت پیام‌ها دارد. از منظر شناختی، موسیقی می‌تواند واکنش‌های احساسی قوی ایجاد کند و درعین‌حال به عنوان نشانه‌ای احساسی عمل کند که مخاطب را به یاد موقعیت‌های خاص یا پیام‌های ایدئولوژیک مستند بیندازد.

طبق نظر کاهنمن (۲۰۱۱)، سیستم‌های شناختی شهودی و سریع می‌توانند توسط تصاویر و محرک‌های احساسی تحریک شوند و ادراکات معنوی را به نحوی قوی و ماندگار در ذهن مخاطب ایجاد کنند. این ویژگی در مستندهای آوینی به‌خوبی نمایان است؛ زیرا تصاویر عمیق و احساسی از قهرمانان و شهدا مخاطب را به سمت ادراکی سریع و شهودی از مفاهیم قرآنی سوق می‌دهد.

در بسیاری از بخش‌های روایت فتح، از موسیقی‌های حماسی استفاده می‌شود تا احساسات افتخار و قدرت در مخاطب ایجاد شود. این نوع موسیقی‌ها، که اغلب شامل ضرب‌های محکم و ملودی‌های قوی هستند، مخاطب را به حس همبستگی با رزمندگان و جنگجویان دعوت می‌کنند. از منظر شناختی، موسیقی حماسی می‌تواند سیستم پاداش مغز (مانند دوپامین) را تحریک کند و باعث شود که مخاطب احساس قدرت، پیروزی و غرور کند.

در صحنه‌هایی که رزمندگان با عزم راسخ به‌سوی میدان نبرد می‌روند، موسیقی حماسی با ریتم تند و قوی در پس‌زمینه پخش می‌شود. این نوع موسیقی باعث می‌شود که احساسات قدرت و فداکاری در مخاطب تقویت شوند و مغز به این پیام پاسخ مثبت دهد.

از منظر علوم شناختی، این نوع موسیقی‌ها با تحریک بخش‌هایی از مغز مانند قشر پیش‌پیشانی و هسته اکومبنس، احساسات مثبت و انگیزشی را تقویت می‌کنند. این تأثیرات باعث می‌شود که پیام‌های مرتبط با غرور و پیروزی به شکل پایدارتری در حافظه مخاطب باقی بمانند (شهبا، پورعلم، ۱۳۹۹: ۶۲۱)

در برخی از صحنه‌های روایت فتح، از صدای طبیعی محیط مانند صدای انفجارها، باد، صدای پای سربازان، و شلیک گلوله‌ها استفاده می‌شود تا مخاطب به‌طور واقع‌گرایانه‌تری تجربه جنگ را

Doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

احساس کند. این صداها باعث می‌شوند که مخاطب احساس کند در میدان جنگ حضور دارد و به‌شدت با واقعیت جنگ ارتباط برقرار کند.

از منظر علوم شناختی، این صداهای طبیعی باعث تحریک حافظه حسی مخاطب می‌شوند و تجربهٔ جنگ را به شکل ملموس‌تری به او منتقل می‌کنند

توجه و پردازش چندگانه

ازآنجایی‌که روایت فتح از تصاویر، صدا و موسیقی به صورت هم‌زمان استفاده می‌کند، مغز مخاطب به‌طور پیوسته در حال پردازش چندگانه اطلاعات است. از دیدگاه علوم شناختی، استفاده از این ترکیب رسانه‌ای می‌تواند تأثیرگذار باشد، زیرا چندکانالی بودن اطلاعات باعث جلب‌توجه بیشتر مخاطب می‌شود. بااین‌حال، اگر میزان اطلاعات بیش‌ازحد باشد، ممکن است اضافه‌بار شناختی ایجاد شده و برخی از پیام‌ها به‌طور کامل پردازش نشوند.

بادلای (۲۰۰۰) در نظریه "بافر اپیزودیک" توضیح می‌دهد که مغز انسان قادر به پردازش هم‌زمان چندین نوع اطلاعات، شامل تصاویر و اصوات، است و این پردازش‌ها می‌توانند در حافظه ماندگار شوند. در مستندهای شهید آوینی، ترکیب تصاویر قوی با موسیقی معنوی، موجب تثبیت پیام‌های قرآنی در ذهن مخاطب می‌شود.

یکی از ویژگی‌های برجسته مستند روایت فتح استفاده از ترکیب تصاویر واقعی جنگ و صدای پس‌زمینه احساسی است. مغز انسان در این حالت، به‌طور هم‌زمان به جزئیات تصویری (مانند حرکت رزمندگان، انفجارها و شرایط میدانی) و جنبه‌های شنیداری (مانند صدای شلیک‌ها، موسیقی حماسی یا غم‌انگیز) توجه می‌کند. این حالت از پردازش چندگانه باعث تحریک بخش‌های مختلف مغز می‌شود که به‌طور هم‌زمان مسئول پردازش اطلاعات بصری، شنیداری و احساسی هستند.

بر اساس نظریه گلدستین (۲۰۱۴)، اطلاعات بصری به‌سرعت در حافظه پردازش می‌شوند، به‌ویژه زمانی که تصاویر هم‌زمان با موسیقی یا صدای مؤثر ارائه می‌شوند. ترکیب تصاویر قوی با موسیقی در مستندهای شهید آوینی نمونه‌ای از این پردازش‌های چندگانه است که توجه مخاطب را جلب کرده و در حافظه طولانی‌مدت او حک می‌شود.

پردازش چندگانه همچنین به مخاطب کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از احساسات و پیام‌های اصلی مستند به دست آورد. وقتی مغز به‌طور هم‌زمان در حال پردازش جزئیات بصری و شنیداری است، می‌تواند به پیام‌های ضمنی احساسی که از طریق ترکیب این دو ارائه می‌شود، توجه بیشتری داشته باشد. این فرایند باعث افزایش همدلی و شناخت احساسی مخاطب می‌شود. (شهبا، پورعلم، ۱۳۹۹: ۳۷۰)

یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای مستندها بر اساس مفاهیم حکمی سوره لقمان یکی از بخش‌های مهم و اساسی تحقیق است. این بخش به شناسایی و بررسی نحوه بازنمایی مفاهیم حکمی سوره لقمان در مستندهای شهید مرتضی آوینی می‌پردازد. برای این تحلیل، می‌توان از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده کرد.

در تحقیق پیش رو به منظور ایجاد نظم در کدگذاری و ارائه آن از نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۲۰۲۰ استفاده شده است.

پس از انتخاب روش، برای بررسی و مطالعه الگوی روش‌شناختی آثار شهید آوینی؛ کتاب گنجینه‌های آسمانی (نشر واحه: ۱۳۹۱) به عنوان منبع اصلی و متن گفتار مستندهای روایت فتح جهت انجام فرایند پژوهش مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. در این مرحله از متن گفتارهای مجموعه اول روایت فتح استفاده شده است. این مجموعه شامل قسمت‌های

شب عاشورایی، پاتک روز چهارم، تاریخ‌سازان چه کسانی هستند، دو سال قبل، با شیرمردان هوانیروز، حزب‌الله، تجدید پیمان، عروج، سربازان امام زمان، ضیافت و راز قدس از کربلا است.

در مرحله بعدی، جدول کدگذاری برای انجام کدگذاری روی داده‌های خام ایجاد شد. در این مرحله، کدهای محتوایی بر اساس مضامین سوره مبارکه لقمان تعریف شد.

کدهای تعریف‌شده از سوره لقمان که بر اساس نظام موضوعات سوره استخراج شده‌اند؛ شامل موارد ذیل می‌باشد:

مؤلفه‌های ایجابی:

احسان به والدین؛ شاکر بودن، محسن بودن، اقامه نماز، تحقق وعده حق خدا در پیروزی جبهه حق، همراهی ایمان و عمل صالح، ایمان به غیب، تسلیم امر خدا بودن، تبعیت از انسان منیب، برخورداری از عزم و صبر.

مؤلفه‌های سلبی:

آشکار بودن ضلالت ظالمان، عدم تبعیت از فروشنده لهو الحدیث

در «جدول ۲»، انطباق گزاره‌های سوره لقمان در هریک از مستندهای مجموعه اول بیان شده است.

بر اساس همین نتایج، داده‌های آماری از فراوانی مؤلفه‌های سوره لقمان در مجموعه اول روایت فتح در «نمودار ۱» بدین شکل است.

تحلیل و تفسیر محتوای کدگذاری شده

طبق آنچه در تحلیل جدول و نمودار فراوانی مؤلفه‌های سوره لقمان

جدول ۲. بررسی حضور مولفه‌های حکمت به تفکیک مستندهای شهید آوینی (منبع: نگارندگان).

کد	مستند
احسان به والدین	راه قدس از کربلا/ ضیافت/ عروج
اقامه نماز	تاریخ سازان/ راه قدس از کربلا/ رمز پیروزی (۲) / سربازان امام زمان/ شب عاشورایی/ رمز پیروزی/ عروج
ایمان به غیب	با شیرمردان هوانیروز (۲) / پاتک روز چهارم (۲) / تاریخ سازان (۲) / تجدید پیمان (۲) / حزب الله (۲) / دو سال قبل (۲) / سربازان امام زمان
آشکار بودن ضلالت ظالمان	با شیرمردان هوانیروز/راه قدس از کربلا (۲) /رمز پیروزی/ سربازان امام زمان/ سقوط (۲) / شب عاشورایی/ عروج
برخورداری از عزم و صبر	با شیرمردان هوانیروز/ پاتک روز چهارم/ تاریخ سازان (۲) / تجدید پیمان (۲) / حزب الله/ دو سال قبل (۳) / راه قدس از کربلا (۶) / عروج
تبعیت از انسان منیب	با شیرمردان هوانیروز/ پاتک روز چهارم (۲) / تاریخ سازان/ تجدید پیمان/ حزب الله/ راه قدس از کربلا/ رمز پیروزی (۴) / سربازان امام زمان (۲) / شب عاشورایی (۲) / ضیافت (۲)
تحقق وعده حق خدا در پیروزی جبهه حق	پاتک روز چهارم (۳) / تاریخ سازان/ تجدید پیمان (۲) / حزب الله (۲) / دو سال قبل (۲) / راه قدس از کربلا (۳) / رمز پیروزی/ راه قدس از کربلا (۲) / شب عاشورایی (۲)
تسلیم امر خدا بودن	با شیرمردان هوانیروز/ پاتک روز چهارم/ تاریخ سازان/ تجدید پیمان (۲) /حزب الله//دو سال قبل/راه قدس از کربلا/رمز پیروزی/ سقوط/ شب عاشورایی
شاکر بودن	حزب الله/دو سال قبل/راه قدس از کربلا/عروج
عدم تبعیت از فروشنده لهوالحدیث	با شیرمردان هوانیروز/تجدید پیمان//راه قدس از کربلا (۲) / شب عاشورایی
محسن بودن	تجدید پیمان (۲) /دو سال قبل (۴) / راه قدس از کربلا/رمز پیروزی/ شب عاشورایی (۷) / عروج (۲)
همراهی ایمان و عمل و صالح	پاتک روز چهارم (۲) / تاریخ سازان (۲) /حزب الله (۲) / سربازان امام زمان/شب عاشورایی

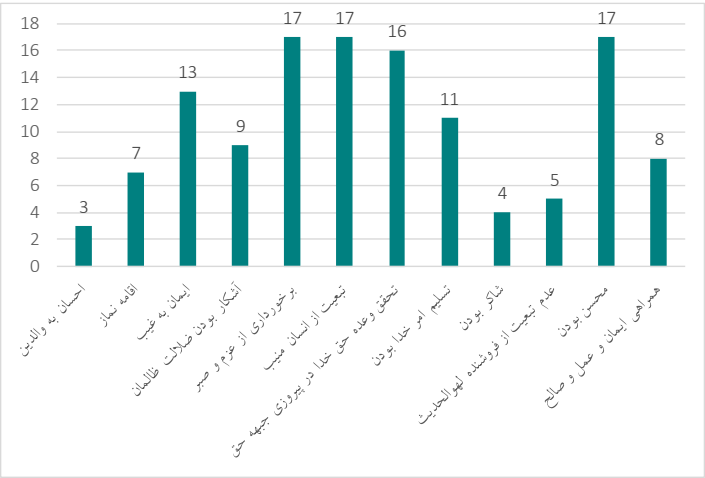

نمودار ۱. فراوانی مولفه‌های پیرامونی حکمت در مجموعه اول روایت فتح (منبع نگارندگان)

Doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

در مجموعه اول روایت فتح قابل مشاهده است، تمامی مؤلفه‌های معین‌شده از سوره در این مجموعه با فراوانی تفاوت حضور دارند، بیشتر فراوانی متعلق به مؤلفه‌های محسن بودن، تبعیت از انسان منیب و برخورداری از عزم و صبر است.

شکر و اهمیت آن در ایجاد پیوند معنوی

تحلیل مفهومی شکر در سوره لقمان: شکر به عنوان یکی از اصول مهم حکمت در سوره لقمان شناخته می‌شود. در این سوره، لقمان پسر خود را به شکرگزاری توصیه می‌کند، چراکه شکر نوعی آگاهی و قدردانی از نعمت‌های الهی است که ارتباط فرد را با خالقش عمیق‌تر می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴). مفهوم شکر، به فرد کمک می‌کند تا به صورت عمیق‌تری به درک معنای زندگی و نعمت‌های آن دست یابد

ارتباط شکر با آثار آوینی: در مستندهای شهید آوینی، لحظاتی از قدردانی و همدلی عمیق با رزمندگان و شهادت آنها به تصویر کشیده می‌شود که مخاطب را به تأمل در مورد نعمت‌ها و ارزش‌های ملی و معنوی تشویق می‌کند. استفاده از تصاویر احساسی و روایات قهرمانانه، حس قدردانی و احترام به ارزش‌های اسلامی را در مخاطب ایجاد می‌کند که مشابه با مفهوم شکر در سوره لقمان است.

ایمان به غیب و ایجاد حس همدلی

تحلیل مفهومی ایمان به غیب در سوره لقمان: در سوره لقمان، ایمان به غیب به عنوان یکی از اصول اساسی برای دستیابی به حکمت معرفی شده است. این ایمان به مخاطب کمک می‌کند تا در برابر ناشناخته‌ها و مسائل غیرمادی جهان هستی، پذیرشی توأم با باور داشته باشد که درنهایت به هدایت الهی منجر می‌شود (صرفی، ۱۳۹۸).

بازنمایی ایمان به غیب در آثار آوینی: در مستندهای آوینی، بارها از مضامین عرفانی و معنوی استفاده شده که مخاطب را به تفکر و تأمل در مورد غیب و حقایق ناپیدای زندگی فرامی‌خواند. صحنه‌هایی از نبرد و شهادت رزمندگان، علاوه‌بر تقویت حس همدلی، به مخاطب یادآوری می‌کنند که بسیاری از ارزش‌های معنوی فراتر از درک مادی ما هستند.

تبعیت از انسان منیب و اهمیت آن در حکمت دینی

تحلیل مفهومی تبعیت از انسان منیب در سوره لقمان: در این سوره، انسان منیب یا بازگشت‌کننده به‌سوی خداوند به عنوان الگویی برای زندگی حکیمانه معرفی شده است. این مفهوم نشان‌دهنده اهمیت پیروی از الگوهای الهی و بازگشت به ارزش‌های دینی در مواجهه با چالش‌های زندگی است (طباطبایی، ۱۳۷۴).

نمایش الگوی انسان منیب در آثار آوینی: در مستندهای شهید آوینی، شخصیت‌های اصلی که از رزمندگان و شهدا تشکیل شده‌اند، به عنوان انسان‌های منیب معرفی می‌شوند؛ یعنی افرادی که با ایثار و فداکاری خود، بازگشتی به‌سوی ارزش‌های معنوی دارند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند. این بازگشت به‌سوی ارزش‌های الهی و تبعیت از آنها در متن و تصاویر مستندهای آوینی به‌خوبی نمایان شده است.

برخورداری از عزم و صبر به عنوان ویژگی‌های مهم حکیمانه

تحلیل مفهومی عزم و صبر در سوره لقمان: عزم و صبر از دیگر ویژگی‌های مهمی هستند که در سوره لقمان به عنوان شاخص‌های حکیمانه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این ویژگی‌ها نه‌تنها در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها حیاتی هستند، بلکه به عنوان الگویی از پایداری و استقامت در مسیر ایمان شناخته می‌شوند (صرفی، ۱۳۹۸).

تأکید بر عزم و صبر در آثار آوینی: شهید آوینی در مستندهای خود به‌ویژه در نمایش صحنه‌های نبرد و تحمل سختی‌های رزمندگان، اهمیت عزم و صبر را برجسته می‌کند. این ویژگی‌ها به مخاطب القا می‌شود که برای دستیابی به ارزش‌های معنوی باید ایستادگی و استقامت داشته باشد.

شخصیت محسنین و نقش آنها در انتقال حکمت قرآنی

تحلیل مفهومی محسنین در سوره لقمان: در آیات ابتدایی سوره لقمان، محسنین به عنوان افرادی که نیکی را در تمامی اعمال خود مدنظر دارند، معرفی می‌شوند. این افراد به دنبال اعمال نیک و درست هستند و از حکمت و هدایت قرآنی بهره‌مند می‌شوند (صرفی، ۱۳۹۸).

تطبیق شخصیت محسنین در مستندهای آوینی: در مستندهای شهید آوینی، شخصیت‌های محسنین بارها به عنوان نمونه‌هایی از انسان‌های حکیم و نیکوکار که در پی ارزش‌های معنوی هستند، به تصویر کشیده شده‌اند. استفاده از چهره‌های آرام، متفکر و متعهد در این مستندها بیانگر همین ویژگی‌های محسنانه است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر آن بود تا بررسی کند که چگونه مفاهیم حکمی و معنوی سوره لقمان، به‌ویژه حکمت‌هایی نظیر شکر، ایمان به غیب، صبر و تبعیت از انسان منیب، در مستندهای شهید مرتضی آوینی، به‌ویژه مجموعه روایت فتح، بازنمایی و به مخاطب منتقل شده‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که آوینی، فراتر از روایت صرف جنگ، در پی انتقال مفاهیم قرآنی و حکمی بوده و از سینما به عنوان ابزاری برای تعمیق ارزش‌های دینی استفاده کرده است.

آوینی در مجموعه روایت فتح با استفاده از تکنیک‌های هنری نظیر تصاویر احساسی، موسیقی حماسی، و روایات قهرمانانه، حکمت‌های قرآنی را در قالب تجاربی عینی و قابل درک به مخاطب عرضه می‌کند. او با خلق صحنه‌هایی از زندگی و جهاد رزمندگان، ویژگی‌های انسان حکیم قرآنی، مانند شکر، ایمان به غیب، صبر و تقوا، را به صورتی ملموس و تأثیرگذار به تصویر می‌کشد. این مفاهیم با ایجاد پیوند عاطفی و شناختی، نه‌تنها به عنوان ایده‌های ذهنی بلکه به عنوان تجاربی واقعی در ذهن مخاطب تثبیت می‌شوند و به درک عمیق‌تری از حکمت قرآنی منجر می‌شوند.

رویکرد آوینی در به‌کارگیری مضامین قرآنی به‌گونه‌ای است که مخاطب را از مرحله تماشای فیلم به تجربه‌ای دینی و معنوی سوق می‌دهد. استفاده از نورپردازی‌های تأمل‌برانگیز، نمایش لحظات شهادت و ایثار، و خلق فضایی پر از احساسات، مفاهیم قرآنی مانند شکر، ایمان به غیب و استقامت را در چارچوبی سینمایی و ادراکی برای مخاطب ماندگار می‌کند. به عنوان مثال، در لحظات احساسی و معنوی مستند، شکر و ایمان به غیب به صورت تجربیات ملموس و عمیق در ذهن مخاطب باقی می‌ماند و او را به تفکر و تعمق بیشتری در خصوص ارزش‌های دینی و معنوی وادار می‌سازد.

یکی از دستاوردهای مهم آوینی، پیوندی عمیق میان فرم سینمایی و محتوای دینی است؛ بدین معنی که نه‌تنها پیام فیلم، بلکه فرم آن نیز حاوی معانی قرآنی است. این تلفیق، تجربه‌ای یگانه از سینمای دینی را برای مخاطب به ارمغان می‌آورد و به او اجازه می‌دهد به‌جای مواجهه با فیلمی جنگی، تجربه‌ای معنوی و حکمی از سوره لقمان را لمس کند.

یکی از نقاط قوت رویکرد آوینی، حذف فاصله میان فرم و محتواست؛ به‌گونه‌ای که این فیلم‌ها نه‌تنها حاوی پیام‌هایی دینی و اخلاقی هستند، بلکه خود فرم فیلم نیز به عنوان بخشی از پیام دینی عمل می‌کند. این عدم تفکیک میان فرم و محتوا به مخاطب این امکان را می‌دهد که به جای تماشای یک فیلم جنگی، یک تجربه دینی را از نزدیک لمس کند. آوینی، همان‌طورکه در تفسیر سوره لقمان نیز مطرح است، مفاهیم دینی و حکمی را نه به صورت خشک و تئوریک، بلکه به صورت یک الگوی زیستی به مخاطب ارائه می‌دهد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهید آوینی در مجموعه روایت فتح توانسته به کمک تلفیق هنر و دین، حکمت‌های قرآنی سوره لقمان را به صورتی عمیق و ماندگار به مخاطب منتقل کند. او با خلق تصاویری از زندگی انسان‌های حکیم و ایثارگر، مخاطب را با الگوهای دینی و قرآنی مواجه می‌سازد و درعین‌حال، زمینه‌ای برای پیوند عاطفی و معنوی مخاطب با این ارزش‌ها فراهم می‌آورد. این دستاورد به تربیت و ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه کمک کرده و ابزاری مؤثر برای انتقال حکمت‌های دینی به نسل‌های بعدی فراهم کرده است. به‌این‌ترتیب، مجموعه مستندهای شهید آوینی همچنان به عنوان الگوی برجسته‌ای از سینمای دینی و متعهد، بر ذهن و قلب مخاطبان تأثیرگذار باقی می‌مانند.

فهرست منابع

اخوت، احمدرضا (۱۳۹۴)، *فرایندشناسی حکمت*، تهران: قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

اسماعیلی، رفیع الدین (۱۳۹۵)، بررسی رابطه هنر و دین از منظر سید حسین نصر و سید مرتضی آوینی، نشریه *معرفت علمی فرهنگی*، ۷ (۲)، ۱۰۹-۱۳۲.

افراشی، آزیتا (۱۳۹۵)، *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی.

ایمان، محمد تقی؛ نوشادی محمودرضا (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی، *نشریه پژوهش*، ش ۲، ۱۵-۴۴.

آوینی، سید مرتضی (۱۳۷۸)، *آیینه جادو*، جلد سوم، مقالات؛ تهران: نشر ساقی.

جعفریان، حبیبه (۱۳۸۹)، *شهید آوینی* (سیری در آثار) چاپ چهارم، تهران: نشر کتاب صبح.

حجازی، بهجت السادات؛ آخوندزاده، حکیمه (۱۴۰۰)، نگرشی به «روایت فتح» از شهید آوینی بر مبنای روایت‌گری، *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۱ (۱), ۱۹-۴۴.

حسینی، سید حسام الدین؛ کرم الهی، نعمت اله؛ مؤمن آرانی، علیرضا؛ اسلامی تنها، اصغر (۱۴۰۲)، تبیین الگوی نظری شهید آوینی در مطالعه دفاع مقدس، به مثابه الگوی مطالعه پدیده های اجتماعی دینی، *نشریه دین و ارتباطات*، ۳۰ (۲)، ۵۹۷-۶۲۴.

حکمت یار، عرفان (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل جنبه‌های ادبی گفتارمتن‌های روایت فتح شهید آوینی و بررسی کارکردهای زیبایی‌شناسانه آن، *طرح تحقیقاتی پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس*.

درزی، قاسم (۱۳۹۷)، درآمدی برکاربست علوم شناختی در مطالعات قرآنی، *نشریه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، ۲ (۱)، ۴۳-۷۵.

زاهدی، محمدصادق؛ حق شناس، روح الله (۱۳۹۲)، بررسی رویکرد علوم شناختی در مطالعه دین، *نشریه پژوهشنامة فلسفة دین* (نامة حکمت)، ۱۱ (۲)، ۱۴۵-۱۶۲.

شهبا، محمد؛ پورعلم، مهرداد (۱۳۹۹)، *درس‌نامه علوم‌شناختی و رسانه*، تهران: افکار جدید.

صرفی، زهرا (۱۳۹۸)، تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان با روش تحلیل محتوای کیفی، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)*، ۱۶ (۱)، ۸۳-۱۱۲.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجم سید موسوی همدانی چاپ پنجم قم: دفتر انتشارات اسلامی.

گهربخش، محمدجواد؛ اسفندیاری، شهاب؛ رستمی، پدارم (۱۴۰۱)، فضاسازی در مجموعه روایت فتح؛ مطالعه‌ای انتقادی بر ویژگی‌های سینمای اشراقی از منظر سید مرتضی آوینی، *فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری*، ۱۶ (۲)، ۱۰۹-۱۳۴.

مددپور، محمد (۱۳۸۴)، *سینمای اشراقی: سینمای دینی و هنر اشراقی شهید*

Doi: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

آوینی با نظری به عکاسی اشراقی، تهران: سوره مهر.

یامین‌پور، وحید (۱۳۹۸)، *ماجرای فکر آوینی*، چاپ دوازدهم، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.

Baddeley, A. (2000). The episodic buffer: a new component of working memory?. *Trends in cognitive sciences*, *4* (11), 417-423.

Bruner, J. (1990). *Acts of meaning: Four lectures on mind and culture* (Vol. 3). Harvard university press.

Goldstein, E. B., & Van Hooff, J. C. (2018). *Cognitive psychology*. Andover, HampshireCengage Learning, EMEA.

LeDoux, J. E. (2000). Emotion circuits in the brain. Annual review of neuroscience, 23 (1), 155-184.

Rizzolatti, G. (2008). *Mirrors in the brain: How our minds share actions and emotions*. Oxford University Press.

Smith, L. T., & Taylor, A. (2016). The Psychology of Art and Aesthetics. Palgrave Macmillan.

Watson, K. D. Kahneman. (2011). Thinking, Fast and Slow. New York, NY: Farrar, Straus and Giroux. 499 pages. Canadian Journal of Program Evaluation, 26 (2), 111-113.

Zeki, S. (2002). Inner vision: An exploration of art and the brain.

OPEN ACCESS

دوفصلنامهٔ رهپویه حکمت هنر با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.

COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

A Cognitive Analysis of the Representation of the Wisdom of Surah Luqman in the Documentaries of Martyr Morteza Avini

Ghodsieh Paeini[1], **Seyyed Abulqasem Hosseini Zharfa**[2]

Type of article: original research
Receive: 17 September 2024, Accept Date: 20 January 2025
DOI: 10.22034/rph.2025.2041336.1071

Extended abstract

Muslim artists have long been concerned about recreating Quranic themes in their works. This challenge has become more pronounced in the modern era with the emergence of modern arts such as cinema. Expressing the sublime themes of wisdom and portraying them within the limited framework of imagery has been a complex issue. Martyr Seyyed Morteza Avini, through his deeply Islamic upbringing, attempted to demonstrate the realization of Quranic transcendent themes in two layers: the first to the warriors and the second to the general audience of his documentaries.

This research aims to elucidate the components of wisdom as a central theme in Surah Luqman and to analyze its representation in the first series of "Narrative of Conquest" documentaries. The data were analyzed using qualitative content analysis and cognitive methods through Max QDA software. This method enabled a systematic and detailed exploration of the connections between the Quranic expressions of wisdom and their artistic representation in Avini's works.

Qualitative content analysis was a scientific tool for uncovering hidden meanings and messages within texts and visuals. Cognitive analysis examined how these works affect human thought and emotions by focusing on audience perception and cognition. Max QDA software allowed researchers to meticulously analyze the relationship between the components of wisdom in Surah Luqman and their depiction in the "Narrative of Conquest" documentaries.

This study is significant because it pioneers exploring Quranic themes within the framework of modern cinematic art. It highlights how contemporary artistic tools can effectively convey profound religious concepts, bridging

1. PhD Candidate in Wisdom of Religious Arts, Wisdom of Religious Arts Department, Faculty of Religion and Art, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. (Corresponding Author). Email: gh.paeini@gmail.com
2. Associate Professor, Wisdom of Art Department, Higher Education Institute of Islamic Art and Thought, Qom, Iran. Email: azharfa@gmail.com

traditional Islamic teachings and new generations. Furthermore, it demonstrates how art can communicate universal human and ethical values in a compelling and accessible manner.

Another key aspect of this research is the comparative analysis between the themes of wisdom in Surah Luqman and their representation in Avini's documentaries. This comparison helps better understand the connection between Quranic teachings and artistic methods, showcasing how modern artistic formats can articulate profound religious values. It also underscores the importance of linking art and religion, offering a model for Muslim artists to draw inspiration from Quranic teachings in creating their works.

The findings reveal that "Narrative of Conquest" employs precise indicators to represent wisdom thematically. This representation is achieved by aligning technical elements with human cognitive and perceptual features and integrating authentic events with artistic expression, reflecting a profound connection between art and Quranic wisdom.

Cognitive analysis of the documentaries highlights Martyr Avini's unparalleled ability to align Quranic themes with the Quran's expressive structure. According to Avini, the key to impactful artistic expression is the complete integration of truth with the artist's perceptual structure and the inseparability of form and content. Avini believed that art should reflect truth, a principle he applied consistently in all his works, particularly in Narrative of Conquest.

One of the remarkable aspects of "Narrative of Conquest" is incorporating key themes from Surah Luqman, such as being benevolent, grateful, faithful, prayerful, and resilient. These themes are vividly depicted within the Sacred Defence context through the warriors' behaviours and dialogues. By leveraging artistic tools such as lighting, music, editing, and narration, Avini conveyed complex philosophical concepts in a manner accessible to a broad audience. He asserted that the fusion of form and content is the essence of Islamic art.

This documentary series also effectively portrays themes like fulfilling divine promises, following righteous leaders, and integrating faith with righteous deeds. Avini emphasized honesty in representation, avoiding artificiality, and linking the profound truths of the Sacred Defense with the Quranic principles of wisdom. His artistic approach allowed viewers a unique and transformative experience, showcasing the depth of Quranic values in real-life contexts.

From a cognitive perspective, "Narrative of Conquest" accurately portrays the concepts of wisdom and demonstrates how modern artistic tools can convey profound Quranic messages. This documentary series stands as a successful example of harmonizing religious truths with the cognitive structure of the audience. Furthermore, Avini's innovative narrative techniques set a significant precedent for presenting Quranic wisdom in a

contemporary context.
This study underscores that "Narrative of Conquest" is a unique amalgamation of art and Quranic teachings. Employing the Quran's expressive structure, it portrays the ideal individuals envisioned in Surah Luqman and introduces a novel approach to meaning-making for future generations. The significance of "Narrative of Conquest" lies in its fidelity to Quranic themes and its adept use of modern artistic tools to leave a lasting impact on the minds and hearts of its audience.
In conclusion, "Narrative of Conquest," rooted in Martyr Avini's vision, stands as one of the foremost artistic achievements of the Islamic Revolution. It establishes a profound link between art and Quranic wisdom and offers an invaluable model for Muslim artists. Through its multidimensional representation of truth, wisdom, and human resilience, it remains a timeless testament to the power of art in conveying divine messages.

Keywords: Wisdom, Conquest Narrative, Representation, Cognitive Analysis

OPEN ACCESS

This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws

COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)